

بنگاه کوآپرات در ماه ۱۳۴۴ در خانه احمد خوام لبت در زیر سقف انقباض
گرفته دل زیر بار انقباض وارداد با بیماری نرفت و در مرداد سال ۱۳۴۵ از مقام
وزارت بهداشت استعفا داد

لا بد نخستین کسی بود که مدد حکومت در کردن تعدادی بیماری در بطور مداوم از زمانای که
فانسی در روزنامه "آران ما" نقله نرفت

بنگاه کوآپرات در دوره ۱۵ قانون گذاری نرسیده که مجلس شورای ملی
نمی باشد در مجلس به سروریش فراگیدن دکراست بود در زمان امام زین العابدین
پس از مجلس شورای ملی لاریس که هم تارخی است

چون از در بر زمان مجلس و مجلس المراسم در آستان سال ۱۳۴۸
صدور شد نظر بر آنکه در مورد خود عازم سوئیس کرده و با ایالت دوری ۱ در سوئیس مانده
و این مدت هم ~~مطالعه~~ مطالعه کتابهای برسی نقلی لاریس در طبع و ماد خود آن در سوئیس

از جمله استاد او در این سفر است "فصله" "آینه" که در ایام سال ۱۳۱۷
در آن سوئیس ادب و دیگر کتابها را است که «عربی ادب السلطنته» معنی «در دیار»
چنان سال در سوئیس ادب و همین «م» «روان»

لا بد از اینکه لاریس به آورد نیا بر صده روزهای خود باران نازک است
و با اینکه بر از بارگت ایران نترنقات رناید در است ایتر او تا که خود را
صاحب است که آن در میان نگذراشته و بار طبعه معمول کنه

بازر و وثوق الدوله

وثوق الدوله در سال ۱۲۹۵ قمر در تهران منگوله شد در ۱۲۳۵ شمسی در تهران

بنگالستانه وثوق الدوله رئيس الوزراء بود بنیاد که جوز مدرس را در این وقت از ایران
روابط در سینه از برقرار بود و اغلب بنیان آن سائمه هم عمل صافه خدا که با آن عمل
(از بر صید دل و دین رنگ تاریخی) استصال از کیم است

در بنگالستانه با روزنامه شهرکی و بومه ایران را ادار میگرد ، اور نامه «رسم»
نیز به بریتانیا رسید ضیاء الدین طبا طباطبائی است رفیق است . این دو روزنامه از لحاظ
حقیقیت سبک و خلاقیت یکدیگر را در روح وثوق الدوله بهر آن هم در دوران نامه ارادت
مورد زنده و اظهار دوستی و دوستی میکرد ، آری ضمن دوری و وثوق الدوله را می طلب سافه همگی

این خواجه بخط بیدل بر مکتب
گامی که پس از سه سال هم عهد و صرف
خوبی را بنی برکت و بی ضرر مکتب
بانی کور در میان با بنی مکتب

بنیم بجهتیش که شنید مکتب
تغیض که بیرونش نمودر مغز مکتب
عهدم بخجائی که نه من مکتب
جاس که به و مایه گیس مکتب
وثوق الدوله در جواب با را بنی در بر آمد :

این استغ ننگه بن ترا بودیم
در وقت عدال تغیر دیگر گریم
در تمام زدود در کشت گریم
بن تمام صنوع عام را گریم

دولت لایه حواصی را می نیز را اردو در برابر دوتوق الدوله بنام:

ای حواصی دوتوق دولت غرق در سید بنام محمود "رعد" دوتوق "دولت" در سید

حاصل که سگته از بیای که حله تغیر که مکتب ان لغوی که ~~دولت~~

روزنامه برق نام روزنامه از سید که سید حواء سگی از انستار روزنامه ارم

نشر یافت

حاکمی

ادبیات - مینر سال ۱۹۶۴ تا ۱۹۲۰

ادبیات - مع حور فیت با بقی محبت

نزدیک زبان سون گنر دینید
نست و الا انقار

سوانی که در سخن از ادبیات جمع شده در این کتاب
درستصال از غنای ادبیات سوانی که در این کتاب
مکتب ادبیات از ادبیات معصومه بافت و آثار دو جلدی است که در این کتاب
بر از انقار و نظم و کلام صاحب اردین است و در این کتاب
ادبیات معصومه بافت و آثار دو جلدی است که در این کتاب

سال ۱۹۲۵ تا ۱۹۵۱

در رثاء جمال زادی - بهار
صدی

به اول

ترجمه - بعد بغداد بر برگ زادی خون گسرت

نی فطاکم که سرف از نسلی تا سحرین را کرد

نیز هستیم

روح صدقی در جان سادری گوی منت است

جاودان از محنت آزاد است گوی منت است

در همت حافظ و گلشنه انکار غرض

همین با برودت در است گوی منت است

روح سحر غریبانی بخوب در جان

خاصه آنکه هر پندار است گوی منت است

مگر زبانی بخوب غرقه در زبانی است

زانکه خود زبانی زبانی است گوی منت است

سحر محرمی

۱ بند است که بر نه نقت جهت دارد

۵۵

تجدید بنی اظهار داشته اند / فرز فضیلت دوست داد به اید میر که از مافه در ملک التواء بارگاه
بیان محضه از این جهت که در این محوطه عاری از حق شناسی بعد از این ضل و ضل است که محضه است

مانند ملک سعور است
حداقت و عدل از فوق در کمی سافه لب بار در راه آرادن کوشش کرد و شقت آورد

در این کوشش نفق و خطبه آهلا و منذ در قضای آراستان طین انداز است مگر گوی در رشته هم
داد اینقدر توانائی در
او جانین کن بر آسانی بود که در علم حقن و ایضا از زمین ادب به خراسان بر جسته بود